

درصدی نیز به عنوان حق تألیف به نویسنده پرداخت خواهد شد. تنها کاری که مؤلف باید انجام دهد آماده کردن فایل پی دی اف کتاب و بارگذاری آن در سایت ناشر و انتخاب و تنظیم طرح روی جلد خواهد بود که البته به سرعت و سهولت انجام می‌گیرد.

ناشر، در مدت زمان بسیار کوتاه، یک جلد از کتاب را برای مؤلف ارسال می‌کند (و در اصل این تنها نسخه‌ای است که وجود خارجی دارد). البته اگر مؤلف درخواست کند، تا بیست نسخه دیگر نیز برای وی صحافی و ارسال می‌شود مشروط بر آن‌که به ازای هر نسخه، مؤلف اسم و مشخصات برخی از همکارانش را برای ناشر ارسال کند؛ هم زمینه پژوهشی و هم لیست بعضی از مقالات همکاران را. در این مرحله است که همکار ما متوجه می‌شود این به اصطلاح ناشر بین‌المللی از کدام طریق به وجود شخص وی پی برده بوده است.

اما این بازی، برای ناشر ما چه فایده‌ای دارد؟ آن‌ها مشخصات کتاب‌گذاری را در سایت‌های فروش آنلاین (مثلاً آمازون) قرار می‌دهند و قیمت نسخه نو و گاه حتی نسخه دست دوم را (در حالی که اصلاً وجود ندارد) اعلام می‌کنند. در صورتی که خریداری ساده لوح اقدام به سفارش کند ناشر آن را چاپ کرده و جلدش را چسبانده و برای خریدار ارسال می‌کند. عموماً سود این ناشر از طریق همین تک‌فروشی‌ها است و هرگز یک کتابخانه معتبر دانشگاهی و آکادمیک از محصولات چنین ناشری خریداری نمی‌کند. نهایتاً سودی که عاید نویسنده می‌شود علاوه بر پنجاه - شصت دلاری که ناشر به وی پرداخت می‌کند اعلام افتخارآمیز چاپ کتاب در سطح بین‌المللی، توسط فلان استاد در بولتن خبری دانشگاه و مهم‌تر از همه اخذ امتیاز تألیف کتاب در مراحل گوناگون ارتقا و تبدیل وضعیت شخص مؤلف. به وضوح نخستین افرادی که گرفتار ناشر قصه ما می‌شوند از اصل ماجرا بی‌خبرند و چه بسا آثاری هم که چاپ می‌کنند بسیار با ارزش است، اما اطلاع ندارند که داشته ارزشمند خویش را به بهایی ناچیز در اختیار ناشر - گونه‌ای سودجو قرار می‌دهند. اما آنچه نگران‌کننده است و هشدار اصلی این نوشته اشاره به آن دارد کسانی هستند که آگاهانه از این بازی غیراخلاقی امتیازی را برای خود فراهم می‌کنند. کسانی که با علم کامل درباره اعتبار ناچیز چنین ناشرینی، به چاپ یک و فقط یک نسخه از به اصطلاح کتاب لاتین خویش اقدام کرده و با گمراه کردن متولیان امور پژوهش، سعی در رسیدن به منافع کوتاه مدت مادی دارند.

امیدوارم دوستان عزیز با بررسی عمیق‌تر پدیده ناشرین سفارش - محور و محتوی - گریز مانند VDM و مشابه‌های آن، جامعه علمی کشورمان را از آفت این بیماری نوظهور پاکیزه کنند.

ب) مقاله داغ

در سایت مؤسسه ISI، بخشی موجود است به نام Essential Sci-ence Indicator که پراستنادترین مقالات را معرفی می‌کند. در این بخش، مقالاتی که در طول دو سال گذشته بیشترین تعداد

پدیده‌های نوظهور در تقلب‌های علمی

محمد شهریاری*

گویا ماجرای تقلب و فریب در انتشارات علمی را پایانی نیست و هر روز این پدیده شوم با ظاهری نو از گوشه‌ای از کشور سر بر می‌آورد. اصرار بر افزایش آمار انتشارات، بدون توجه به محتوا و کیفیت، آیین‌نامه‌های گاهاً دست و پا گیر، معیارهای سنجش مکانیکی و نهایتاً ولع نایل شدن به منافع کوتاه مدت در میان برخی استادان و دانشجویان، از جمله عوامل مؤثر در گسترش این بیماری همه گیر است. اخیراً نسخه‌های جدیدی از این پدیده شوم در میان برخی دانشگاهیان رایج شده که در این یادداشت کوتاه به معرفی آن می‌پردازم و امیدوارم با هشپاری تمام اقشار دانشگاهی و متولیان امر پژوهش از گسترش روزافزون آن جلوگیری شود.

آ) پدیده Lambert و VDM

این‌ها نام دو (شاید ناشر - گونه) آلمانی است که روشی خاص برای انتشار سریع هر نوع متن علمی اعم از کتاب، رساله، درس‌نامه، پایان‌نامه، مجموعه آثار و مقالات، پروژه‌های کارشناسی و امثال آن ابداع کرده‌اند. به احتمال زیاد شما نیز از این ناشرین نامه‌هایی دریافت کرده‌اید و شاید به تصور این‌که هر زمانه‌ای بیش نیستند آن‌ها را از صندوق پستی خود حذف کرده‌اید. اما اگر کنجکاوی کنید و متن نامه را بخوانید متعجب خواهید شد که نویسنده نامه که نماینده انتشارات VDM یا Lambert Academic Publishing است، اطلاعات نسبتاً کاملی از شما دارد از جمله نام و آدرس محل کارتان، زمینه تحقیقاتی و عناوین برخی از مقالات شما و نیز عنوان رساله دکتری و دانشگاهی که از آن فارغ‌التحصیل شده‌اید. نویسنده نامه ضمن تعریف و تمجید از پژوهش‌های شما، به نیاز مبرمی اشاره می‌کند که جامعه علمی اخیراً با آن مواجه شده و آن همانا در دسترس بودن کتابی است که شما در ارتباط با تحقیقات اخیرتان و یا رساله دوره دکترای خود تألیف کرده باشید. آن‌ها از شما تقاضا می‌کنند که مشتاقان علم را از موهبتی این چنین محروم نکرده و با استفاده از تسهیلات ناشر مذکور کتابی را تألیف کنید.

بنده افرادی را از نزدیک مشاهده کرده‌ام که با خواندن چنین نامه‌ای غرق در لذت و سرمستی شده و از این‌که یک ناشر بین‌المللی به عظمت علمی و اهمیت پژوهش ایشان پی برده به خود بالیده‌اند. در چنین شرایطی البته نامه‌نگاری آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد. ناشر به نویسنده اطمینان می‌دهد که در مدت شش هفته، کتاب ایشان چاپ شده و در قفسه کتاب‌فروشی‌ها، در چهار گوشه جهان در دسترس مشتاقان علم قرار خواهد گرفت. برای تسریع در نشر کتاب مورد نظر، هیچ‌گونه ویرایش و بررسی در محتوای آن انجام نخواهد گرفت و از بابت فروش هر جلد از کتاب،

ویلیام بارنز آروسون



ویلیام بارنز (بیل) آروسون William Barnes Arveson استاد دانشکده ریاضی در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ به علت عوارض ناشی از بیهوشی در طول عمل جراحی در ۷۶ سالگی درگذشت. او در اوکلند کالیفرنیا متولد شد. در جوانی روی یک ناو هواپیمابر به عنوان تکنسین رادار در نیروی دریایی ایالات متحده خدمت کرد و سپس با بورس نیروی دریایی در مؤسسه فناوری کالیفرنیا تحصیل کرد و دکترای خود را در ۱۹۶۴ از دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس اخذ کرد و از سال ۱۹۶۸ تا مرتبه استادی در دانشگاه برکلی به تحقیق و تدریس اشتغال داشت. وی در چندین دانشگاه معتبر در سراسر جهان، از جمله UCLA، UCSD، پنسیلوانیا، نیوکاسل (بریتانیا)، آرهوس (دانمارک)، اسلو، استکهلم، کانبرا و کیوتو به عنوان محقق مدعو فعالیت کرد. هم چنین دو جایزه میلر را در برکلی به خاطر تحقیقاتش در جبر عملگرها دریافت کرد و ۷۹ مقاله و هشت کتاب در حوزه C^* -جبرها، جبر عملگرها، نگاشت‌های کاملاً مثبت، نظریه طیفی و آنالیز هارمونیک ناجابجایی به رشته تحریر درآورد. دو مقاله وی در Acta Math. جز ۳۰ مقاله برتر در آنالیز تابعی و نظریه عملگرها در جهان تلقی می‌شود. بیل عضو هیأت تحریریه چندین مجله معتبر از جمله:

Bull Amer. Math. Soc, Banach J. Math. Anal., Proc. Edinburgh Math. Soc., Duke Math. J., J. Operator Theory

بود. بیل الهام بخش بسیاری از محققان در تدریس، نگارش و سخنرانی بود و بر بسیاری از افراد تأثیر گذاشت. همیشه سخاوتمندانه وقت خود را در اختیار دیگران قرار می‌داد. متعهد به تربیت ریاضی دانان جوان بود و در این راستا راهنمایی ۲۹ دانشجوی دکتری را به عهده گرفت که اغلب آن‌ها اکنون جز ریاضی دانان برجسته قلمداد می‌شوند. بیل یک محقق خبره در زمینه کاری‌اش بود، حوزه‌ای از ریاضیات که زمینه فیزیک کوانتومی

ارجاعات را کسب کرده باشند معرفی می‌شوند و گاه تحت عنوان مقالات داغ شناخته می‌شوند. یکی از تبصره‌های آئین‌نامه جدید ارتقای هیأت علمی تصریح می‌کند در صورتی که مقاله‌ای به عنوان مقاله پراستناد و یا مقاله داغ شناخته شود امتیاز آن تا یک و نیم برابر قابل افزایش است. ترکیب منطقی به کار رفته در عبارت "مقالات پراستناد و مقالات داغ" که عیناً از آئین‌نامه مذکور نقل می‌شود باعث پیدایش یک ابهام و به تبع آن سوءتعبیر و در نهایت سوءاستفاده برخی شده است. در عبارت فوق به نظر می‌رسد که مفاهیم مقاله پراستناد و داغ با هم فرق دارند و در حالی که می‌دانیم چنین نیست و یا حداقل نویسندگان آئین‌نامه ارتقا چنین منظوری نداشته‌اند. به دلیل این ابهام، برخی استدلال می‌کنند که منظور از مقاله داغ، همان مقالات پرانلودی است که به صورت هفتگی یا ماهانه توسط مجلات اعلام می‌شود. می‌دانیم که اکثر مجلات دارای این سیستم هستند که می‌توانند مقالات را بر حسب تعداد دانهادهای هفتگی یا ماهانه مرتب کنند و چون دانهاده و مشاهده یک مقاله می‌تواند بارها توسط نویسنده و یا نزدیکان وی انجام گیرد، بنابراین پرانلود بودن، ملاک ارزشی برای مقالات محسوب نمی‌شود.

در این جا بهتر است یک آزمایش جالب را که بنده شخصاً مرتکب آن شده‌ام برای انبساط خاطر دوستان نقل کنم. یک بار بنده توسط VPN به سایت مجله‌ای که مقاله‌ام در آن چاپ شده بود وارد شدم و مقاله‌ام را دانهاده کردم. سپس VPN را قطع کرده و این عمل را به تعداد زیاد تکرار کردم. با توجه به این که هنگام اتصال به اینترنت با VPN، هر بار یک آدرس آی - پی جدید برای کاربر اختصاص می‌یابد، سیستم مجله هر بار دانهاده مقاله بنده را در شمارش معتبر دانسته و در عرض چند دقیقه آن مقاله وارد لیست مقالات پرانلود شد! به وضوح راه‌های دیگری نیز برای پرانلودبزه کردن مقالات وجود دارد و این نشان می‌دهد آنچه در آئین‌نامه ارتقا مورد تصریح قرار گرفته، غیر از تعداد دانهادهای یک مقاله است. با وجود این بنده با چشم خود، دوستانی را دیده‌ام که اصرار داشته‌اند چون مقاله آن‌ها پرانلود است، پس داغ است و در نتیجه باید آئین‌نامه اجرا شود. برای این که مطمئن شوید واقعاً از این طریق سوءاستفاده‌های فراوانی اتفاق می‌افتد کافی است عبارت "مقاله داغ" را در گوگل جستجو کنید تا ببینید در سایت بسیاری از دانشگاه‌های کشور از دولتی گرفته تا آزاد، خبری مشابه این وجود دارد:

"انتخاب مقاله ... تن از استادان دانشگاه ... به عنوان مقاله داغ" امیدوارم دوستان اطلاع‌رسانی کنند تا همگان و به خصوص مسئولین امور پژوهشی دانشگاه‌ها توسط افراد سودجو و فرصت طلب فریب داده نشوند.

* دانشگاه تبریز